

معلم زبان هنرمند

یکی از روش‌های رایج برای تسهیل یادگیری زبان، استفاده از قصه و قصه‌گویی است. همه ما با «یکی بود، یکی نبود» یا «روزی، روزگاری...» که آغازگر روایت‌ها و قصه‌های دوران کودکی‌مان است، کمابیش آشنا هستیم. ما با روایت کردن و داستان‌گویی، زندگی و جهان را به تسخیر و مهار خود در می‌آوریم و همین امر، هم به ما به‌عنوان نویسنده قصه یا قصه‌گو، و هم به خواننده یا شنونده قصه، اعتمادبه‌نفس، قدرت و آرامش می‌بخشد. از سوی دیگر، داستان و روایت چنان جاذبه‌ای دارند که هر کسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ضمناً بیان موضوعی در قالب روایت یا داستان، سبب می‌شود در حافظه، ماندگاری

به‌طور کلی استفاده از هنر و ادبیات در آموزش سبب می‌شود یادگیرنده به شکلی هنری و خلاقانه بیندیشد و همین نکته موجب می‌شود یادگیری با «تفکر»، «تحلیل» و «خلاقیت» همراه شود

بیشتری داشته باشد. دیدن فیلم و پویانمایی به زبان اصلی با یا بدون زیرنویس نیز، به خاطر همین وجه قصه‌گویی آن، در یادگیری زبان تأثیر زیادی دارد و عمدتاً به تقویت مهارت شنیداری و حتی گفتاری زبان کمک می‌کند. همچنین استفاده از طراحی و نقاشی در آموزش، تقریباً برای همگی ما امری شناخته شده است، چون برخی از معلمان از توانایی خود در طراحی برای آموزش درس‌هایی مانند زیست‌شناسی، تاریخ، فیزیک و البته زبان کمک می‌گیرند و از این طریق مفهوم‌های پیچیده را به شکلی قابل‌فهم و عینی به

استفاده از هنر و ادبیات برای کمک به آموزش و یادگیری دیگر رشته‌ها، موضوع تازه‌ای نیست، اما هنوز آن‌طور که باید و شاید در نظام آموزشی ایران جایگاه خود را پیدا نکرده است. شاید یکی از علت‌های اصلی‌اش این باشد که «آموزش میان‌رشته‌ای» هنوز در کشور ما نهادینه نشده است.

استفاده از زبان برای دریافت و انتقال یا بیان افکار و احساسات را «هنرهای زبانی»^۱ می‌گویند که تلفیقی است از ادبیات و هنر (اعم از نقاشی، موسیقی، پیکره‌سازی، نمایش و فیلم) و زبان.

از آنجا که یادگیری زبان مستلزم تجربه شرایط، زمان‌ها، مکان‌ها و شخصیت‌های متنوع و متفاوت است، یا به بیان دیگر مستلزم آن است که بتوانیم خودمان را جای دیگران در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت قرار دهیم، بنابراین به قوه «تخیل» نیاز داریم. و هنرهای زبانی به تقویت و پرورش این قوه یاری می‌رسانند. درحقیقت، هنر، ادبیات و بازی نه‌تنها به پرورش و رشد خلاقیت و تخیل انسان-به‌ویژه کودکان- یاری می‌رسانند، بلکه تأثیر آن‌ها در یادگیری بهتر و عمیق‌تر مطالب انکارناپذیر است.

به‌طور کلی استفاده از هنر و ادبیات در آموزش سبب می‌شود یادگیرنده به شکلی هنری و خلاقانه بیندیشد و همین نکته موجب می‌شود یادگیری با «تفکر»، «تحلیل» و «خلاقیت» همراه شود. همان‌طور که می‌دانید، ادبیات استفاده خلاقانه و متفاوت از زبان است و هر قدر این زبان از زبان معیار و روزمره بیشتر فاصله بگیرد، به ادبیات نزدیک‌تر خواهد شد. درنتیجه، استفاده از شعر و داستان در آموزش زبان، به علت پیوند عمیق زبان و ادبیات-درواقع، زبان به‌نوعی ابزار و مصالح لازم را در اختیار ادبیات قرار می‌دهد- یکی از رایج‌ترین و مؤثرترین شیوه‌ها برای کمک به یادگیری زبان است.

به زبان انگلیسی را مطرح کردم، چند نفر از دانشجویان که شرایط بهتری از نظر دانش و توانش زبانی داشتند، داوطلب شدند و با کمال تعجب همان دانشجو نیز داوطلب شد. من هم استقبال کردم. نتیجه باورنکردنی بود: همان دانشجویی که در نیم‌سال اول به زحمت می‌توانست از روی کتاب بخواند، با تلاش و کوشش بسیار و نقش معجزه‌گر نمایش، توانست نمایش مشهور را به زبان انگلیسی اجرا کند!

«آموزش و یادگیری مفرح»^۲ یکی دیگر از مواردی است که هنرهای زبانی در شکل‌گیری آن نقش مهمی ایفا می‌کنند. یکی از نکاتی که امر آموزش و یادگیری را مختل می‌کند، «نبود جذابیت» و «خسته‌کننده» و «ملال‌آور» بودن کلاس درس است که به عوامل زیادی، از جمله محیط آموزشی، محتوای آموزشی، روش تدریس و شخص معلم بستگی دارد. بنابراین هر قدر حال و هوای کلی کلاس و روش آموزش پرنشاط‌تر باشد، یادگیری بهتر صورت می‌گیرد. هرگز نباید از قدرت «شادی» در امر آموزش و به‌ویژه آموزش زبان غافل شد. بدیهی است که توجه به این نکته، هنگام آموزش به کودکان و نوجوانان، اهمیت بیشتری دارد.

هرگز نباید از قدرت «شادی» در امر آموزش و به‌ویژه آموزش زبان غافل شد

حتماً این ضرب‌المثل مشهور را شنیده‌اید که می‌گوید: «سخنی کز دل برآید، لاجرم بر دل نشیند!» نکته مهمی در این ضرب‌المثل نهفته است که در اینجا به کار ما می‌آید: «آموزش و یادگیری مفرح حاصل تعامل و همکاری ذهن و قلب، عقل و احساس، و علم و هنر است. به همین علت، این نوع یادگیری عمیق‌تر و ماندگارتر است.» ضمن اینکه هنرهای زبانی باعث ایجاد انگیزه در یادگیرنده و تعامل بیشتر او با کلاس می‌شوند. از سوی دیگر، هنر و ادبیات ماهیتی آرامش‌بخش دارند. در نتیجه، استفاده از این دو در آموزش زبان می‌تواند به کاهش اضطراب - که یکی از معضلات بزرگ در یادگیری زبان است - تمرکز بیشتر و در نهایت یادگیری بهتر منجر شود. اما به این نکته نیز باید توجه خاص داشت که استفاده از هنر و ادبیات در آموزش زبان به دانش، مهارت، تجربه و ابزار خاصی نیاز دارد. بنابراین معلمی که قصد دارد از هنرهای زبانی در کلاس خود استفاده کند، باید در حد ممکن از این ویژگی‌ها بهره‌مند باشد. در غیر این صورت، انجام این کار نه تنها تدریس را مختل می‌کند، بلکه حتی ممکن است نتیجه عکس داشته باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Language Arts
2. Joyful Teaching and Learning

دانش‌آموزان منتقل می‌کنند. به همین سبب است که کتاب‌های مصور در میان کودکان و نوجوانان این همه هوادار دارند؛ نکته‌ای که لازم است در آماده‌سازی وجه دیداری کتاب‌های درسی مربوط به این سنین نیز بیش از پیش، مورد توجه قرار گیرد. اما شاید یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای آموزش زبان استفاده از نمایش باشد. این تأثیر چند دلیل دارد: نخست اینکه یکی از ارکان اصلی نمایش گفت‌وگو، استفاده از زبان و برقراری ارتباط است. دلیل دوم این است که اشخاص یا بازیگران برای ایفای نقش ناچارند در قالب شخصیت‌های مورد نظر فرو روند و به همین علت جمله‌هایی را که بر زبان می‌آورند، بهتر درک و احساس می‌کنند. دلیل سوم هم این است که نمایش به‌نوعی تقلید زندگی است. در حقیقت، نمایش در آموزش زبان معجزه می‌کند و من شخصاً آن را تجربه کرده‌ام.

طی سال‌هایی که برای دانشجویان کارشناسی ارشد رشته نمایش در دانشگاه زبان تخصصی تدریس می‌کردم، به دانشجویانی برخورد می‌کردم که دانش و توانش بسیار پایینی در زبان انگلیسی داشتند و چون نمی‌توانستند پایه‌پای دیگر دانشجویان کلاس حرکت کنند، معمولاً ابتدا دچار مشکل می‌شدند. البته به تدریج و با تلاش بیشتر، وضعیت بهتری پیدا می‌کردند. اما یکی از دانشجویان، علاوه بر ضعف دانش زبانی، آن‌چنان اضطراب و اعتمادبه‌نفس پایینی داشت که در ابتدای نیم‌سال اول حتی به زحمت می‌توانست یک جمله ساده انگلیسی را از روی کتاب بخواند.

من معمولاً عادت داشتم که در پایان هر یک از دو نیم‌سال زبان تخصصی، علاوه بر آزمون کتبی پایان نیم‌سال، بخشی از نمره را به کاری عملی در زمینه زبان اختصاص دهم. وقتی در نیم‌سال دوم در کنار سایر پیشنهادها، موضوع اجرای نمایش